

# بزرگترین تهدید در عراق ایران است نه داعش

به قلم مایکل نایتز (/fa/experts/maykl-naytz-0/)

۱۲ نوامبر ۲۰۱۹

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/us-interests-and-unsustainable-status-quo-iraq

العربية (/ar/policy-analysis/alsalhn-alamrykyt-walwd-alrahn-ghyr-almstdam-fy-alraq/)

درباره نویسنده



مایکل نایتز (/fa/experts/maykl-naytz-0/)

مایکل نایتز یکی از همکاران ارشد انستیتو واشنگتن و متخصص امور نظامی و امنیتی عراق، ایران، یمن و کشورهای عربی خلیج است.

دکتر نایتز بارها عراق، یمن و کشورهای خلیج فارس سفر کرده و به طور منظم در خصوص سیاست گذاری های دولت ایالات متحده، کمیته های کنگره و افسران نظامی آمریکا در امور امنیتی منطقه،



تحلیل کوتاه

اعتراضات بی‌سابقه در عراق گویای این واقعیت است که این کشور به تدریج به یک دولت ناکام تبدیل می‌شود. هرچند طی سال‌های اخیر کیفیت زندگی در عراق قدری بهتر شده اما هرساله تقریباً یک میلیون نفر به جمعیت بیکاران اضافه می‌شود. نیروهای شبه‌نظامی هم علناً به تحقیر دولت ادامه می‌دهند و دولت این کشور برای روزی که درآمد نفت جوایگوی هزینه‌های آمارس‌کرده دولت و پرداخت مزایای اجتماعی نباشد آمادگی چندانی ندارد.

همزمان احزاب سیاسی و رهبران جناح‌های حاکم بر عراق برای این که منافع کوتاه‌مدت تنگ‌نظرانه‌شان تامین شود حتی راضی به فروپاشی کشور هستند. تغییراتی بنیادین باید رخ دهد برای: تغییر ماهیت سیاست احزاب، رفع فساد فراگیر، منع اعمال نفوذ ناروا از طرف شبه‌نظامیانی که تحت حمایت خارجی اند و تغییر انتخاباتی که در بهترین حالت آلوده به تقلب است ولى در عمل به شکلی سراسرت به سرقت می‌رود. تقریباً هیچ‌یک از رابط‌های برجسته سیاسی که با آن‌ها در صحنه سیاست عراق تماس دارم، حقایق یادشده را در گفت‌وگوی خصوصی رد نمی‌کنند.

البته سیاست‌گذاران آمریکا در موضوع عراق هم به این موضوعات کاملاً آگاه اند اما آن‌ها هنوز در خصوص نقش آمریکا در آینده عراق مردد هستند. آیا مداخله آمریکا ممکن است به کسانی که دنبال تغییر مثبت اند آسیب بزند یا کمک خواهد کرد آیا درگیربودن آشکار آمریکا اصالت جنبش اعتراضی ملی را زیر سوال خواهد برد و باعث واکنش سخت‌تری از طرف شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران می‌شود و صرف‌نظر از تاکتیک‌های سیاسی روز نسل بعدی عراقی‌ها چه انتظاری از آمریکا دارند آن‌ها از فعالیت یا انفعال ما در این دوره از زمان چه چیزی به خاطر خواهند سپرد.

دولت آمریکا سریعاً باید درباره این موارد تصمیم‌گیری کند و سپس مطابق آن عمل کند. مسیر پیش‌رو هرچند مخاطره‌آمیز ولى نسبتاً روشن است ما باید در کنار نسل جدید عراقی‌ها و روحانیون میانه‌رو در حوزه مذهبی شیعه باشیم. ما باید از تغییر با نظم و قاعده و بدون خشونت که منجر به تدوین قانون انتخاباتی جدید، قانون جدید احزاب و نظارت بین‌المللی موثر بر انتخابات‌های بعدی شود حمایت کنیم. ما باید سریعاً تحریم‌های قانون عالمگیر مگنیتسکی را علیه افرادی که مسئول کشتار شهروندان عراقی بوده‌اند اعمال کنیم.

این تصمیم مخاطرات زیادی دارد اما اعتراضات جاری عراق هم فرصتی بی‌نظیر فراهم کرده است. چون این اولین باری است که اعتراضات را جوانان عراق سازمان‌دهی می‌کنند و نه عوام‌فریبان اسلام‌گرا که خود بخشی از مشکل هستند.

## درک درست از منافع آمریکا در عراق

هرچند باورش برای منتقدان ما دشوار باشد ولی آمریکا واقعا می‌خواهد عراق کشوری صاحب حاکمیت باثبات و دموکراتیک باشد. شاید جدیت ما درباره این اهداف ناشی از این باشد که آموخته‌ایم توقعی بیش از این نداشته باشیم. مثلا از حداقل یک دهه قبل همه می‌دانستند که عراق هیچ‌وقت مثل آمریکا به رژیم ایران بدگمان نخواهد بود. ولی انگیزه ما هرچه باشد ما واقعا عراقی می‌خواهیم که در برابر فشار خارجی مقاومت کند و مدام نیازمند تزییق خون و سرمایه آمریکایی نباشد. عراقی که مؤید این دیدگاه ما باشد که مردم عراق خواهان گزینه دموکراتیک اند و برای آن ارزش قائل می‌شوند.

بنا به تجربه من اما آمریکا طی جنگ با دولت اسلامی (داعش) این اهداف را فراموش کرد. من از سال ۲۰۱۱ در مورد برآمدن داعش هشدار داده‌ام. من با خروج آمریکا مخالفت کردم و همواره هوادار حفظ مأموریت آموزش نظامی آمریکا در عراق بودم. موفق شدم برای اولین بار در اواخر آگوست ۲۰۱۴ دولت آمریکا را وادار به استفاده از حملات هوایی برای نجات جان غیرنظامیان کنم و خود در فرایند طراحی «عملیات عزم راسخ» (یا همان OIR) علیه داعش شرکت داشتم که به عراق در آزادسازی شهرهایی که در تصرف داعش بود کمک کرد. اما واقعا باور دارم که حالا در عراق نیاز داریم اولویت را به مخاطرات راهبردی دیگری بدهیم.

وقت آن رسیده که مشخص کنیم بزرگترین خطر برای یک عراق صاحب حاکمیت باثبات و دموکراتیک چیست. مقامات آمریکایی هنوز عراق را پایگاهی برای آغاز جنگ علیه داعش می‌بینند و در واقع حالا که حضور آمریکا در سوریه مداوما بنیاد متزلزل‌تری پیدا می‌کند عراق پایگاهی مهم برای آمریکا محسوب می‌شود. اما آیا داعش ارزش آن را دارد که صدرنشین منافع ما در عراق باشد. اصلا به هیچ وجه. بر خلاف تخمین‌های نجومی دولت آمریکا که پیکارجویان داعش را در عراق و سوریه ۱۴ هزار نفر برآورد می‌کند تخمین محتمل‌تر خیلی کمتر از نصف این شمار است. داعش حالا به‌سختی می‌تواند حمله‌ای کوچک صورت دهد. البته این وضع ممکن است روزی عوض شود اما احتمالا سال‌ها طول خواهد کشید. در مقابل امروز نیروی نیابتی ایران بالغ بر ۶۰ هزار شبه‌نظامی در خاک عراق است که نیروهای امنیتی عراق را تحلیل برده و از بودجه دولت مرکزی تغذیه می‌کند. هزینه‌ای بالغ بر حدود ۲۰۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹.

## بزرگترین تهدید ایران است نه داعش

دولت سایه‌ای که ایران در عراق ساخته است نمی‌تواند در کنار یک استراتژی ضد‌داعشی موفق وجود داشته باشد. سیاسیون و نظامیان عراقی آشکارا اقرار می‌کنند که این ماشین ساخت ایران با منع مستشاران آمریکایی و عملیات پهپادهای آمریکا توان ائتلاف تحت رهبری آمریکا را برای کمک به عراق در جنگ با داعش به نحوی توقف‌ناپذیر تحلیل برده است.

وبسایت آمار کشتگان عراق (Iraq Body Count) در ماه‌های آگوست و سپتامبر به ترتیب ۹۳ و ۱۵۳ کشته را ثبت کرده که عمدتا مربوط به داعش بوده است. در ماه اکتبر وقتی اعتراضات عراق شروع شد کمیسیون عالی حقوق بشر عراق (IHCHR) گزارش کرد که در اعتراضات یادشده ۳۰۱ نفر کشته و ۱۵۰۰۰ نفر مجروح شده‌اند. سازمان‌های حقوق بشری خبرنگاران و معترضان عراقی ثابت کرده‌اند که این سرکوب خشونت‌بار توسط ایران سازمان‌دهی می‌شود. به بیان ساده ایران و متحدانش حالا هرماه دوبرابر داعش عراقی‌ها را می‌کشند.

هم معترضان عراقی و هم حوزه روحانیت شیعه (به رهبری آیت‌الله سیستانی) هر روز بیشتر از قبل علنا و صراحتا می‌گویند که بزرگترین تهدید علیه عراق الان ایران و متحدان آن در میان نخبگان سیاسی فاسد عراق هستند. وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا باید این ارزیابی را بپذیرند و سیاست ما را حول آن تنظیم کنند.

## ایران بازیگر اصلی در وضع کنونی عراق است

ایران دولت عراق را در بالاترین سطوح کنترل می‌کند. البته بیشتر سال ۲۰۱۹ این وضع حاکم بوده اما خصوصا از اواخر تابستان امسال برجسته‌تر شده است. من به عنوان کسی که از طریق تماس با رهبران عراق از نزدیک این قضایا را دنبال می‌کنم معتقدم که دو نقطه عطف آشکار را می‌توان مشاهده کرد: اول انتصاب ابوجهاد سیاست‌مدار مورد حمایت ایران به عنوان رئیس ستاد عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق دوم موفقیت ایران در هراسان کردن نخست‌وزیر عراق نسبت به این‌که آمریکا و عربستان و اسرائیل و هواداران صدام و افسران نظامی تعلیم‌دیده از سوی آمریکا در حال توطئه برای برکناری او هستند.

حالا دیگر سپاه پاسداران ایران فقط صاحب نفوذ محسوب نمی‌شود بلکه دولت عراق را در کنترل خود دارد. ایران می‌تواند سرداران خود را مستقیما برای سرکوب مردم عراق اعزام کند. می‌تواند هر زمان بخواهد به مراقبت پرواز عراق بگوید که حریم هوایی خود را به روی

هواپیماهای امریکایی ببندند می‌تواند با مصونیت و امنیت کامل دستور کشتار صدها شهروند عراقی را صادر و اجرا کند چون می‌دانند که در تحقیقات دولت عراق هیچ اسمی از مجرم اصلی ذکر نخواهد شد تنها دلیلی که ایران نیروهای امریکایی را از عراق بیرون نمی‌راند این است که این نیروها گروگان‌های بالقوه‌ای محسوب می‌شوند که به آسانی قابل دسترس اند و به این دلیل که هیچ تهدید واقعی علیه قدرت ایران در بغداد به حساب نمی‌آیند

کار اصلی ایران حالا که نفوذ خود را کامل کرده این است که با جلوگیری از ایجاد تغییر از نخبگان سیاسی و اقتصادی فاسد گذشته محافظت کند ماموریت سپاه پاسداران در عراق دفاع از طبقه فاسد حاکم تحت عنوان کمک به مبارزه با شورش است بازگر اصلی بودن مزایای زیادی دارد اول این که تقریباً همه سیستم برای حفظ امتیازات نامشروع خود به ایران وابسته است اگر رهبران عراق را شخصاً بشناسید می‌دانید که سیاسیون حزبی نمایندگان مجلس و وزرا نمی‌خواهند به خاطر فروپاشی دولت یا انتخابات زود هنگام شغل‌های راحت و پردرآمدشان را از دست بدهند سیاستمداران کُرد عراقی هم برای سهم‌شان از بودجه دولت به نخست‌وزیر فعلی متکی هستند و هر آلترناتیوی را یک ریسک می‌دانند

ولی حائز قدرت بودن در پشتیبانی از طبقه سیاسی فاسد مضراتی هم دارد آمریکا و شوروی طی جنگ سرد یاد گرفتند که مسئول شناخته شدن برای جنایات رژیم‌های منفور می‌تواند باعث بدنامی و واکنش‌های منفی عمومی شود اگر ایران علناً از نخبگان فاسد عراق دفاع می‌کند این فرصتی مهم برای آمریکا ایجاد می‌کند تا با نسل جدید عراقی‌ها و روحانیون میانه‌روی شیعه همگام شود آمریکا باید بداند که دیگر بازگر اصلی در وضع کنونی عراق نیست و در عوض باید حامی جدی تغییرات مورد نظر مردم عراق باشد

### آمریکا از چه نوع تغییری در عراق باید حمایت کند

آمریکا باید به روشنی نشان دهد که ما چه می‌خواهیم و چه نمی‌خواهیم ما بر خلاف نیم دهه قبل از خروجمان در ۲۰۱۱ نمی‌توانیم قدرت اصلی در وضعیت امروز عراق باشیم از منظر سیاسی نسلی و اقتصادی وضع کنونی نمی‌تواند دوام بیاورد این قمار است که به باخت ختم می‌شود حتی اگر نخبگان فاسد قدیمی و مورد حمایت ایران دودستی به منصب‌شان بچسبند

بنابراین طرد وضع موجود این سوال را به میان می‌آورد که آمریکا باید از چه نوع تغییری حمایت کند نخست آن که آمریکا باید از تغییر منظم و سنجیده پشتیبانی کند یعنی تغییر مرحله به مرحله و پیوسته که فرآیندهای قانون اساسی و حقوقی را تغییر دهد حاکمان سیاسی و حوزه مذهبی عراق از هرچیز متنفرند و بیش از هرچیز دیگری از آن می‌ترسند هر سناریویی که به نفع ایران باشد ریسک هرچیز دارد و با مسیری ناروشن برای جانشینی سیاسی همراه خواهد بود اگر اعتراضات جاری بدون رهبر بماند احتمالاً به نافرمانی مدنی پیوسته و دامنه‌دار منجر می‌شود و مشروعیت همه نهادهای حکومتی و مذهبی از دست می‌رود معنای آن این است که جامعه بین‌المللی از جمله آمریکا باید از ظهور یک «چهره» معقول که صدای معترضان باشد و احتمالاً از جامعه دانشگاهی یا جامعه مدنی برخاسته باشد حمایت کند این می‌تواند منتج به مذاکراتی از نوع «دیپلماسی خط دوم» شود که بدون منحرف شدن از مسیر اصلی خود تقاضاهای معترضان را به طور پیوسته و در مدت‌زمانی واقع‌بینانه پاسخ دهد

دوم آن که این تغییر باید تا جای ممکن بدون خشونت و خون‌ریزی باشد اگر اعتراضات جاری به خشونت بیشتری کشیده شود شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران مزیت‌های بزرگی خواهند داشت اگر معترضان کاملاً مشغول تخریب و ویرانگری شوند ارزش‌های والای اخلاقی اعتراضات کمرنگ می‌شود و حمایت جریان‌های اصلی شیعه و جامعه بین‌المللی از آن تضعیف خواهد شد هرچند حمله معترضان به سفارت ایران در بغداد آن هم در سالگرد حمله مشابه انقلابیون مسلمان به سفارت آمریکا در تهران ممکن است از نگاه آمریکا انتقامی شیرین دیده شود واقعیت این است که این تحول ممکن بود عراق را وارد جنگ جناحی شدیدی کند و سفارت آمریکا هم مورد حمله و تخریب قرار گیرد و ما مجبور به تخلیه آن شویم

سوم آن که آمریکا باید قویاً از انتخابات منصفانه حمایت کند چه در سال ۲۰۲۰ برگزار شود چه در ۲۰۲۲ باشد هرچند معترضان و حتی روحانیت شیعه گویا توقع انتخابات زود هنگام را در سال ۲۰۲۰ دارند معمولاً تاکتیک تأخیر در عراق خوب جواب می‌دهد و در انتخابات زود هنگامی که تحت قوانین منصفانه و نظارت بین‌المللی برگزار شود تقریباً کل طبقه سیاسی حاکم بازنده خواهد بود اگر تغییر در قانون انتخابات عراق به‌کندی انجام شود و هیچ انتخابات زود هنگامی در ۲۰۲۰ رخ ندهد نیروهای عراقی هم برای تسریع انتخاباتی که به‌رحال قرار است در ۲۰۲۲ اتفاق بیفتد خود را به زحمت نخواهند انداخت ایجاد دولتی موقت با یک نخست‌وزیر و کابینه جدید در فاصله الان تا هر انتخابات زود هنگام احتمالی بعید به نظر می‌رسد در نتیجه علی‌رغم خواست عمومی برای تشکیل یک دولت جدید احتمالاً در آینده نزدیک در عراق استمرار سیاسی کافی برقرار خواهد بود با این حال هرچند آمریکا نباید دنبال ضرب‌الاجل‌های نسنجیده باشد باید قویاً از اصل‌هایی مثل قانون جدید انتخابات قانون جدید احزاب سیاسی و نظارت بین‌المللی موثر در انتخابات‌های بعدی حمایت کند در همه این موارد باید دنبال کسب اهداف بزرگ باشیم

سرانجام این که آمریکا باید تلاش زیادی به خرج دهد تا حمایت گسترده‌تر جهانی را برای جلوگیری از سرکوب اعتراضات و مجازات عاملان

ان‌ها جلب کند و خواهان اجرای عدالت در مورد عراقی‌های کشته‌شده مفقود و شکنجه‌شده باشد. برای آمریکا مشکل خواهد بود که بخواهد «خطوط قرمز» بی‌چون‌وچرای برای سرکوب‌های جاری ترسیم کند زیرا سرکوب رهبران اعتراضات که توسط تهران هدایت شده است سازوکاری مرحله‌به‌مرحله و پنهان دارد. با این‌حال در موارد مشخصی مثلاً دادن حق تیر به تکتیراندازها حمله به ایستگاه‌های تلویزیونی (مخالفتان) ربودن رهبران اعتراضات و استفاده از گازهای سمی گشوده و پرتابه‌های انفجاری) برای کنترل شورش آمریکا می‌تواند از فعالیت گروه‌هایی مثل هیئت مساعدت سازمان ملل برای عراق (یونامی) عفو بین‌الملل و دیدبان حقوق بشر برای پیگیری جدی موارد خاص حمایت کند.

## آمریکا و شرکایش چه ابزارهایی در اختیار دارند

هرچند آمریکا بعد از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نفوذی غیرعادی در این کشور داشت به تدریج این نفوذ به رابطه‌ای دوجانبه و عادی تقلیل یافت. الان کفه ترازو به نفع طرف مقابل سنگین شده است و ایران کنترلی بی‌بديل در عراق دارد درحالی‌که آمریکا روزبه‌روز بیشتر در «تنگنا» قرار می‌گیرد.

این موقعیتی ناخوشایند برای سیاست‌گذاران آمریکاست اما با توجه به وضع کنونی می‌تواند عاملی نیروبخش هم باشد. آمریکا تقریباً از زمانی که در سال ۲۰۰۹ از عراق خارج شد دیگر مجبور نبوده از اشتباهات نخبگان سیاسی نالایق عراق دفاع کند و از منافع چنان دفاعی هم بهره نمی‌برد. حالا آمریکا باید یاد بگیرد که در عراق طور دیگری بازی کند که در آن رابطه بلندمدت و پایدارتری با عراق برقرار سازد و هزینه‌های سنگینی هم بر ایران تحمیل کند.

با این‌حال نمی‌توان تلخی زوال قدرت آمریکا را در عراق شیرین جلوه داد. آمریکا محدودیت‌های زیادی دارد از جمله دیدگاه منفی شخص رئیس‌جمهور آمریکا به مسئله عراق توجه سرسری مقامات ارشد تغییر مقامات میانی کاهش آزادی حرکت نیروها و مشکل امنیت زمینی آن‌ها و همچنین مقاومت کلی در برابر اتخاذ رویکردهای جدید کاربرد اطلاعات محرمانه یا ریسک‌پذیری با این اوصاف آیا هیچ جایی برای راهبردهای مبتکرانه دولت آمریکا باقی می‌ماند

اگر آمریکا در عراق حضور خود را حفظ کند یعنی خودمان آن‌جا را ترک نکنیم یا مهمان ناخواسته تلقی نشویم این حضور باید بیشتر قابل مشاهده باشد. یکی از روش‌های دیده‌شدن می‌تواند افزایش پخش اخبار روزانه باشد خصوصاً برنامه‌های عربی و کردی که شامل مرور مطبوعات روز و حتی استفاده بیشتر از رسانه‌های اجتماعی باشد. هرچند در حالت عادی پخش برنامه‌های فرهنگی یا برنامه‌هایی با حضور مردم تاثیر زیادی ندارد ولی در این روزها که آمریکا می‌خواهد همبستگی خود را با تقاضاهای مشروع مردم عراق نشان دهد چه‌بسا گزینه‌های کاملاً مناسبی باشند.

ضمناً آمریکا باید با دیگر دوستان خارجی عراق همکاری نزدیکتری داشته باشد تا جامعه جهانی بلند و یک‌صدا حرف بزند. همان‌طور که الان هم تاحدی وجود دارد دولت آمریکا باید خود را با رویکرد هیئت مساعدت سازمان ملل برای عراق هیئت مشورتی اتحادیه اروپا در عراق کارگروه رزمی مشترک عملیات عزم راسخ هیئت آموزشی ناتو در عراق سفارتخانه‌های بغداد در دیگر کشورها و سازمان‌های حقوق بشری همگام کند.

آمریکا باید توانمندی‌های همچنان قابل ملاحظه اطلاعاتی خود را نیز روی فاسدترین و بدترین نخبگان سیاسی و شبه‌نظامی عراق متمرکز کند. دولت آمریکا هنوز این توانمندی را دارد که طیف وسیعی از ارتباطات را شنود کند هولدینگ‌های مالی را زیر ذره‌بین بگیرد و اطلاعات درزیافته حساس و شخصی نخبگان عراق را به طور امن جمع‌آوری کند. ما همواره باید از این توانمندی استفاده کنیم و کارزارهایی با هدف ارباب ناقضان حقوق بشر و حامیان سیاسی‌شان در عراق راه‌اندازی کنیم.

در ارتباط با موضوع فوق آمریکا باید سریعاً تحریم‌های قانونی عالمگیر مگنیتسکی را به طور مکرر و معناداری علیه افراد کلیدی در عراق که مسئول کشتار شهروندان هستند اعمال کند. هرچند آمریکا ممکن است به درستی متهم شود که با اتکای بیش‌ازحد بر تحریم‌ها همان یک ترفند تکراری و همیشگی را به‌کار برده تحریم‌های مگنیتسکی علیه چهار رهبر عراقی شاخص در ماه جولای ۲۰۱۹ لرزه‌ای به دل نخبگان فاسد عراقی انداخت که تا مرز وحشت رفت. شخصیت‌هایی مثل ابوجهاد فالح الفیاض ابومنتظر الحسینی یا شبه‌نظامیان و مقامات امنیتی متعددی که اینجا (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/exposing-and-sanctioning-human-rights-violations-by-iraqi-militias>) فهرست شده‌اند باید دارایی‌های خود در خارج از کشور و مسافرت‌های‌شان را در معرض خطر ببینند.

## مدیریت ریسک مشارکت یا عدم مشارکت آمریکا

موضوع آخر این است که دولت آمریکا می‌ترسد اگر درباره وضع کنونی عراق حرفی بزند توجه عمومی به معترضان عراقی کم شود یا باعث شود آن‌ها ناکام یا سرکوب شوند. نگرانی متضادی هم وجود دارد و آن این‌که ما خیلی کم حرف می‌زنیم خیلی کم عمل می‌کنیم خیلی دیر دست‌به‌کار می‌شویم و در ظاهر مثل ایران بی‌رحمانه از نخبگان فاسد حمایت می‌کنیم.

من معتقدم که حالا فرصت خوبی برای آمریکا است که با انتخاب شرکای درست در عراق در سوی درست تاریخ قرار گیرد کسانی که در نهایت سوی برنده در این کشور خواهند بود عراق جدید که بعد از خروج آمریکا در ۲۰۱۱ ظهور کرد توسط ایران به فلاکت کشیده شد و این بار ایرانی‌ها هستند که باید پاسخگو باشند

در مقابل آمریکا می‌تواند نقش کشوری را بازی کند که به دنبال اهداف بلندمدت است ما نباید از حمایت جدی از یک عراق صاحب حاکمیت و باثبات و دموکراتیک ترسی به دل راه دهیم وقایع ماه اکتبر دو امر را روشن کرده است: معترضان عراقی و روحانیت شیعه به روشنی درک کرده‌اند که ایران آن کشوری است که در عراق دخالت می‌کند و نه آمریکا لزومی ندارد از سایه خودمان بترسیم به همین ترتیب این هم روشن است که شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران همین الان هم (به طریزی مضحک) ۱۰۰ درصد مطمئن‌اند که آمریکا محمد بن سلمان موساد و هواداران صدام باعث و بانی اعتراضات هستند همان ترفند لولوخورخوره آنها به هر نوع تئوری توطئه‌ای پناه می‌برند تا از روبه‌رو شدن با واقعیت در حال ظهور عراق پرهیز کنند با توجه به این که این‌ها عقایدی جاافتاده و قدیمی هستند اظهارات شفاف مقامات آمریکایی اوضاع را بدتر نخواهد کرد

ایالات متحده صریحا باید از حمایت اعتراضات غیرقانونی خرابکاری و انتقام‌جویی حتی علیه اخلاگران ایرانی پرهیز کند واشنگتن باید بیانی‌های معقول آیت‌الله سیستانی را درباره مسائل مربوط به اعتراضات به‌دقت منعکس کند با توجه به سابقه حمایت آمریکا از انتفاضه ۱۹۹۱ (شورش عراقی‌ها علیه صدام که وحشیانه سرکوب شد و ما از آن صرفا حمایت زبانی کردیم ولی بیشتر نرفتیم) نباید بیش از آن میزان که می‌توانیم حمایت کنیم کسی را تشویق به کاری کنیم

خطر دست روی دست گذاشتن آشکار است حتی اگر ظاهرا عراقی‌ها فعلا هم خیلی نگران این نباشند که آمریکا چه فکر می‌کند یا نمی‌کند این وضع ممکن است به سرعت عوض شود اگر معترضان با سرکوب شدیدی مواجه شوند نسبت به انزوای خود بسیار حساس خواهند شد این در مورد شکست جنبش سبز در ایران در سال ۲۰۰۹ هم صادق بود و اعتراضات پس از آن را برای تقریبا یک دهه به تاخیر انداخت حتی اگر امروز افکار عمومی عراق در یک نظرسنجی بررسی شود آمریکا نباید فرض کند که نتیجه آن معیاری است برای این که عراقی‌ها امروز را چگونه در آینده به یاد خواهند آورد

### **باید آماده ترک عراق باشیم تا مجبور به خروج نشویم**

هرچند آمریکا رسماً در عراق حضور دارد ایران می‌تواند با شلیک چند راکت دقیق یا برگزاری یک بحث پارلمانی نیروها و دیپلمات‌های آمریکایی را بیرون اندازد ایرانی‌ها تصمیم دارند این کار را نکنند چون حضور ما دیگر ربطی به نقشه‌های آنها برای عراق ندارد و نیز به این خاطر که موفق شده‌اند توانایی ما را در جنگ با داعش ایجاد نهادهای مختلف یا محافظت از عراق در برابر خرابکاری ایران خنثی کنند

در نتیجه حضور آمریکا در عراق نباید برای بازدارندگی فعال باشد اگر خطر بیرون انداخته شدن از عراق را بپذیریم چیز زیادی از دست نمی‌دهیم نخبگان عراقی از این که دشمنان‌شان را به دست ما بکشند و یا در مقابل نفوذ ایران وزنه خنثی‌کننده‌ای به آنها بدهیم سود برده‌اند اما این رابطه یک‌طرفه شده و دیگر فایده ملموسی برای ما ندارد رهبران عراقی باید بفهمند که اگر بگذارند نیروهای آمریکایی در عراق بمانند لطفی در حق ما نمی‌کنند دقیقا برعکس آمریکا بدون از بین بردن کامل داعش در عراق و سوریه هم از این مصیبت به‌خوبی در امان است

بنابراین اگر کنترل ایران در سطح فعلی ادامه داشته باشد آمریکا باید آماده باشد که موقتا اقدامات نظامی‌مان را در عراق متوقف کند تا به مردم عراق توضیح دهیم چرا ایران چنین توقفی را ضروری ساخته است ما باید آماده باشیم که معافیت‌های تحریمی را موقتا متوقف کنیم تا دولت عراق نتواند صادرات و واردات کند یعنی با جمع کردن دلارهای آمریکایی که بانک مرکزی آمریکا تدارک دیده و قطع روابط بانکی دو طرفه همان‌طور که آمادگی جنگی بهترین راه ایجاد بازدارندگی در برابر دشمن و حفظ صلح است آمریکا هم اگر نمی‌خواهد رابطه‌اش با نخبگان عراق قطع شود باید واقعا آماده ایجاد وقفه‌ای در رابطه خود با نخبگان این کشور باشد اگر آمریکا از یک دولت تحت کنترل ایران حمایت مالی کند نه تنها چیزی به دست نخواهد آورد که چیزهای زیادی از دست خواهد داد اگر دولت عراق از معترضان محافظت نکند یا نتواند عدالت را برقرار کند و انتخاباتی منصفانه برگزار کند آن وقت آمریکا هم نباید نگران این باشد که این دولت را رها کند و روی نسل بعدی عراقی‌ها حساب کند

اعتراضات جاری عراق هم یک فرصت و هم آزمونی برای دوستی عراق و آمریکا است شاید منتقدان ما باور نکنند اما آمریکا واقعا می‌خواهد عراق صاحب حاکمیت و باثبات و دموکراتیک باشد این می‌تواند آغاز یک تحول باشد: بهتر است ما در کنار نسل بعدی عراقی‌ها و حوزه روحانیت باشیم تا کنار نخبگان فاسد در این مورد ایران اسب بازنده را انتخاب کرده است

\*تربیون فکرة ستون آزاد انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک است. نظرات بیان شده در این ستون دیدگاههای شخصی نویسندگان آن است و لزوماً مورد تایید انستیتو کارکنان هیئت مدیره یا هیئت مشاوران آن نیست.



## RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

### Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲ ۱۱



Farzin Nadimi

(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



BRIEF ANALYSIS

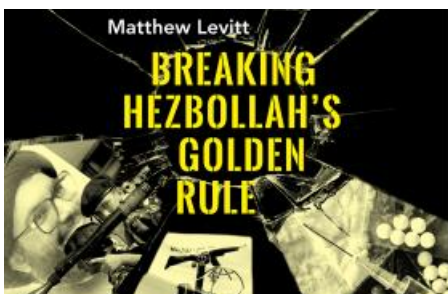
### Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

فوریه ۲۰۲۲ ۱۱



Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

### Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فوریه ۲۰۲۲ ۹

◆  
Matthew Levitt

**(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)**